

کارکرد دادسرا در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در کاهش جمعیت کیفری زندان

فرید ضرغامی^۱

چکیده

آمار نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از جمعیت کیفری را افرادی تشکیل می‌دهند که یکی از قرارهای تأمینی در مورد آنان صادر شده است. این مسأله، علاوه بر هزینه‌های سنگینی که بر دولت تحمیل می‌کند، از ضرورت وجود تدابیری برای جلوگیری از سلب آزادی این افراد (با توجه به حاکمیت فرض بی‌گناهی) حکایت می‌کند. وانگهی، کارکرد اصلاحی - تربیتی زندان در اصل بر مجرمان و محکومان متمرکز است و درگیر کردن مدیریت زندان با افرادی که امکان زندان نرفتن آنان وجود دارد مانع اجرای صحیح این کارکرد می‌شود. این مقاله، با توجه به نقش دادسرا در فرایند کیفری، نقش این نهاد را در کاهش جمعیت کیفری زندان در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی بررسی کرده و مانع‌ها، محدودیت‌ها و نیز ظرفیت‌ها و راهکارهای موجود در راستای اجرای این سیاست را کنکاش می‌کند.

واژگان کلیدی: دادسرا، متهم، جمعیت کیفری، زندان، قرار تأمین

۱. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، معاون پیش‌گیری از وقوع جرم و عفو و بخشودگی و سجل کیفری دادسرای عمومی و انقلاب یاسوج

درآمد

موضوعی که در سال‌های اخیر سیاست‌گذاران و کیفرشناسان را به بحث درباره‌ی آن کشانده این است که آیا استفاده‌ی زیاد از حبس می‌تواند میزان ارتکاب جرم را کاهش دهد یا خیر. برخی به این پرسش پاسخ مثبت داده و چنین استدلال می‌کنند که «در نظام‌های کیفری بسیار خشن و سختگیر فرستادن افراد بیشتر به زندان برای مدتهای طولانی موجب ارباب مجرمین بالقوه و پاک‌سازی جامعه از مجرمین بالفعل می‌گردد» (۵: ۷). ولی، هزینه‌های روزافزون حبس و آثار زیان‌بار زندان بر زندانیان و نیز بر خانواده‌ها و بستگان آنان و بحران ناشی از جمعیت کیفری، فشار ناشی از این جمعیت بر منابع، و «کابوس اداری بی‌رحمانه‌ای» که این مجازات ایجاد کرده است سیاست‌گذاران را مجبور ساخته که نقش حبس را دوباره بررسی کرده و راه‌کارهای جدیدی را کشف کنند (۵: ۷). به بیان دقیق‌تر، احساس می‌شود که هدف اصلی یا تفکر مربوط به اقدام‌های اصلاحی - تربیتی هر لحظه در معرض هجوم یا بدتر از آن در معرض تغییرهای نگران‌کننده است (۶-۳۵: ۷). بنابراین، برای اینکه مجازات حبس بتواند کارکرد اصلاحی-تربیتی خود را ایفا کند، این مجازات باید بر مجرمانی که راهی جز زندان فرستادن آنان وجود ندارد متمرکز شود.

یکی از راه‌کارهای مؤثر در این زمینه کاهش زندانیانی است که قرار تأمین در موردشان صادر شده است. جمعیت کیفری یا جمعیت زندان چهار گروه را شامل می‌شود: «۱. متهمان ۲. محکومان به حبس (یعنی زندانیان واقعی یا محکومان به مجازات‌های غیر سالب آزادی که در انتظار اجرای محکومیت خود در حبس نگهداری می‌شوند و ۴. محکومان مالی موضع ماده ۶۹۶ ق.م.ا و ماده ۲ ق.ن.ا.م.م» (۱۱۸-۱۱۷: ۸).

مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهند که بخش عمده‌ای از زندانیان کشور را زندانیان تحت قرار بازداشت یا ناتوان از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه تشکیل می‌دهند. بر اساس آمار منتشرشده از سوی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی

و تربیتی کشور در خصوص ورودی زندانیان در ۴ ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۵، حدود ۷۶ درصد ورودی زندان را افراد تحت قرار تشکیل می‌دهند (۶) که ۴/۴۱ درصد با قرار بازداشت موقت، ۵۱/۹۹ درصد با قرار کفالت، و ۱۹/۷۷ درصد با قرار وثیقه وارد زندان شده‌اند. بر اساس آمار اداره‌ی کل زندان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۸۴، ۶۵/۳۵ درصد ورودی‌های زندان را افراد تحت قرار تشکیل داده‌اند. در سال ۱۳۸۵، این آمار به ۶۷/۸۹ درصد رسیده است که عمده‌ی آنها از یک تا ده روز در زندان بوده‌اند.

بنابراین، اگر چه کاهش استفاده از مجازات حبس در دادگاه‌ها می‌تواند در کاهش آمار جمعیت کیفری مؤثر باشد، با توجه به آمار موجود عمده جمعیت کیفری مربوط به دادرست و در راستای سیاست حبس‌زدایی باید تمرکز بیش‌تری بر عملکرد دادرست صورت گیرد.

موضوع مهم دیگر این است که بازداشت متهمان در دادرست و زندان برچسب زندانی به آنان می‌تواند در نگرش جامعه نسبت به این افراد مؤثر بوده و زمینه‌ی انحراف ثانویه‌ی آنان را فراهم کند.

دادرست با صدور قرارهای تأمین در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در مورد جمعیت کیفری نقش مهمی را ایفا کرده و اقدام‌های دادرست می‌تواند به افزایش یا کاهش این جمعیت منجر شود.

در این راستا و برای اینکه دادرست بتواند در نظام حقوقی ایران در جهت کاهش جمعیت کیفری نقش ایفا کند، با مانع‌ها و تنگناها و نیز با ظرفیت‌هایی روبه‌روست.

الف. مانع‌ها و محدودیت‌های دادرست برای کاهش جمعیت کیفری

۱. روی‌کرد جامعه به دادرست

دادرست نقطه‌ی تماس دادگستری با جامعه است و هر گاه جرمی اتفاق می‌افتد، دادرست عهده‌دار پیگرد موضوع می‌شود. تشکیل این نهاد برای حفظ

حقوق عمومی بوده و در جامعه نیز چنین تصور و برداشتی نسبت به دادسرا به چشم می‌خورد. بنابراین، در زمان وقوع جرم از دادسرا به‌عنوان متولی حقوق عمومی انتظار می‌رود که در وضع پیش‌آمده مداخله کند. به‌علاوه، برخی مصلحت‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی باعث می‌شود که دادسرا در برخورد با جرم‌های ارتكابی متهمان را بازداشت کند. در برخی از بحران‌های اجتماعی، دادسرا باید مدیریت بحران را بر عهده گرفته و با بازداشت‌های گسترده فضای جامعه را آرام کند. بنابراین، اولین مانع دادسرا کاهش جمعیت کیفری توقع و انتظاری است که جامعه از دادسرا دارد.

۲. تکلیف قاضی به صدور قرار تأمین پس از تفهیم اتهام طبق ماده‌ی

۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک.

طبق ماده‌ی ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک، «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید». با توجه ماده‌ی ۱۲۹ ق.آ.د.ک مبنی بر اینکه «برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم بازپرس می‌تواند یکی از قرارهای تأمینی ذیل را صادر نماید»، از ماده‌ی ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک چنین برداشت می‌شود که قاضی پس از تفهیم اتهام هر چند دفاع متهم را موجه دانسته و نیازی به حضور او نداند مکلف به صدور قرار است.

اگر چه اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه در چند نظریه‌ی مشورتی سعی در رفع این ابهام کرده و به‌صراحت بیان کرده است که «در صورتی که قاضی پس از تفهیم اتهام تشخیص دهد که اتهامی متوجه شخص متهم نمی‌باشد در آن صورت نیازی به اخذ تأمین نیست»، به علت تأکید دادگاه انتظامی قضات بر صراحت ماده‌ی ۱۳۲ و صدور آرای محکومیت به دلیل عدم صدور قرار تأمین پس از تفهیم اتهام، رویه‌ی غالب دادسرا صدور قرار تأمین پس از تفهیم اتهام است که در برخی موارد نیز به بازداشت متهمان منجر می‌شود.

۳. عدم رعایت مفاد ماده‌ی ۱۲۴ ق.آ.د.ا.ک در خصوص احضار و جلب مطابق ماده‌ی ۱۲۴ ق.آ.د.ک «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند. مگر اینکه دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد». با توجه به این ماده، باید بین مفهوم «مشتکی عنه» و «متهم» قائل به تفکیک شد و به صرف شکایت شاکی نسبت به احضار مشتکی عنه اقدام نکرد. در برخی از دستورهای قضایی دادسرا مشاهده می‌شود که با طرح شکوائیه دستوری از سوی قضات داده می‌شود مبنی بر اینکه «پرونده به مرجع انتظامی ارسال می‌شود مقتضی است دلایل و مدارک شاکی جمع‌آوری، متهم با قید عدم حضور جلب، احضار در صورت عدم حضور جلب پرونده تکمیل^۱ به نظر برسد». در چنین دستورهایی، با سپردن تشخیص کفایت دلایل برای احضار^۲ به مرجع انتظامی و عدم کنترل نحوه‌ی ابلاغ احضاریه و دادن اختیار جلب به ضابطان، ممکن است با صرف شکایت و بدون وجود دلایل کافی متهم در وقت غیراداری جلب و مسأله در وقت اداری به نظر قاضی برسد. در چنین مواردی، برخی قضات برای توجیه تحت نظر بودن متهمان قرار تأمین صادر می‌کنند که به بازداشت آنان منجر می‌شود؛ هر چند ممکن است در نهایت به صدور قرار منع پیگرد برای آنان بینجامد. بنابراین، چنانچه قضات دادسرا در دستورهای اولیه قبل از جمع‌آوری دلایل وفق ماده‌ی ۱۲۴ اقدام به احضار متهمان نکنند و وظیفه‌ی جمع‌آوری دلیل را بر عهده‌ی شاکی بگذارند، به کاهش جمعیت کیفری توسط دادسرا کمک شایانی می‌کنند.

۴. محدود بودن قرارهای جانشین بازداشت

طبق ماده‌ی ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک، قرارهای جانشین بازداشت در حقوق ایران در چهار بند بدین شرح آورده شده‌اند: ۱. التزام به حضور با قول شرف؛ ۲. التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ ۳. گرفتن کفیل با وجه کفاله؛ ۴. گرفتن وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت‌نامه‌ی بانکی یا مال منقول و غیرمنقول). این ماده در مقایسه با ماده‌ی ۱۲۹ ق.آ.د.ک تغییر چندانی نکرده است.

از این رو، با توجه به عدم گستردگی قرارهای تأمین، قضات دادسرا برای پرهیز از بازداشت متهم و حفظ حقوق وی ابزارهای کافی در اختیار ندارند که این موضوع می‌تواند به افزایش جمعیت کیفری منجر شود.

۵. بازداشت موقت

«بازداشت موقت قرار تأمینی است که به موجب آن متهم در تمام یا قسمتی از دوران تحقیقات مقدماتی و یا دادرسی باید در بازداشتگاه بماند. این قرار شدیدترین نوع قرارهای تأمینی کیفری است» (۱: ۱۷۹). بازداشت موقت با اصل برائت مغایرت دارد و حق‌ها و آزادی‌های متهم را با مخاطره‌ی جدی روبه‌رو می‌کند. وانگهی، «برخی نهادهای مفید و کارساز سیاست جنائی نیز ممکن است متعاقب زندانی کردن متهم اثر و کارآیی خود را از دست داده و اهداف ناظر بر این‌گونه نهادها را با شکست مواجه سازد» (۴: ۱۶۳).

با توجه به انتقادهای وارد به بازداشت موقت، بسیاری از کشورها به سمت حذف بازداشت‌های اجباری گام برداشته و صدور قرار بازداشت متهم را در اختیار قاضی تحقیق قرار داده‌اند با این هدف که مدت بازداشت از مهلتی معقول تجاوز نکند. در نظام حقوقی ایران و با تصویب ق.آ.د.ک. بازداشت موقت اجباری وجود نداشت، ولی این امر به موجب تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارایی (مصوب خرداد ۱۳۳۴)، بند ج تبصره‌ی اصلاحی ۱۳۴۴/۱/۲۰ الحاقی به ماده‌ی ۱۷۳ ق.م.ع. ق.ت.م و ماده‌ی ۳۵ ق.آ.د.ک. به تدریج پذیرفته شد. «اقدام مقنن ایرانی در توسعه موارد بازداشت موقت اجباری مغایر جریانات و سیاست جنائی موجود در سطح بین‌المللی و حتی دیدگاه‌های شورای نگهبان قانون اساسی است و در این راه قانون‌گذار حتی برخی موارد مندرج در بند ج ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی کیفری را که قبلاً موضوع تبصره ماده ۱۳۰ مکرر بود و فقط بازداشت متهم و نه استمرار آن را ضروری تلقی می‌کرد تشدید نموده و محبوس ساختن متهم تا صدور حکم

بدوی را لازم دانسته است» (۱۹۸: ۱).

بنابراین، افزایش موارد بازداشت موقت اجباری را می‌توان در راستای افزایش جمعیت کیفری زندان و مانعی برای کارکرد دادسرا در کاهش جمعیت کیفری ارزیابی کرد.

۶. استفاده‌ی قانون‌گذار از عبارتهای مبهم و تفسیرپذیر

در مقررات ناظر به حق‌ها و آزادی‌های افراد، قانون‌گذار باید از تعبیر و الفاظی استفاده کند که امکان تعرض به حق‌های افراد را فراهم نسازد. این مسأله در مقررات مربوط به قرار تأمین که با آزادی افراد ارتباط مستقیم دارد رعایت نشده است. برای مثال، در بند «د» ماده‌ی ۳۵ ق.آ.د.ا.ک مقرر شده که هرگاه آزادی متهم موجب فساد باشد، صدور قرار بازداشت موقت او الزامی است. این بند به دلیل کلی بودن آن قابل توجیه نبوده و می‌تواند موجب نقض حقوق متهمان شود.

در این روش، متهم در اختیار مقام قضایی قرار می‌گیرد تا به صلاح‌دید خود او را بازداشت کند. حتی ممکن است در جرم‌های ساده‌ای مثل ایجاد سد معبر یا اهانت ساده یا فحاشی متهم به بهانه‌ی بیم فساد بازداشت شود (۱۹۸: ۱). به علاوه، از نظر جامعه‌شناسی، فساد امری نسبی است و آنچه قومی فساد می‌داند شاید در قوم دیگر عملی مباح باشد. به هر حال، بهتر است قانون‌گذار ابتدا عنوان‌ها را تعریف و معنا و مفهوم آن را به صورت شفاف بیان کرده و سپس آن موارد را در قوانین بیاورد و از به کار بردن مفاهیمی که در تفسیر و معنای آن وحدت نظر وجود ندارد پرهیز کند.

۷. مواردی که متهم به جای کفیل وجه نقد، مال منقول یا غیرمنقول

ارائه می‌کند

بند ۳ ماده‌ی ۱۲۹ ق.آ.د.ک یکی از قرارهای تأمین را گرفتن کفیل دانسته و مقرر کرده بود که اگر متهم درخواست کند که به جای کفیل وجه نقد یا مال منقول یا غیرمنقول ارائه کند، بازپرس مکلف به قبول آن است. با

تصویب ق.ت.د.ع.ا، قانون‌گذار به عبارت «اخذ کفیل با وجه‌الکفاله» تصریح کرده، ولی در خصوص پذیرش وجه نقد، مال منقول یا غیرمنقول ساکت است. همین موضوع موجب بروز تفسیرهای مختلف شده و گاهی دادگاه‌ها با این استدلال که تبدیل قرار کفالت به وثیقه تشدید تأمین محسوب می‌شود وثیقه را نمی‌پذیرند که این امر به بازداشت متهمان منجر می‌شود. اگر چه اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه در مقام رفع ابهام مقرر داشته که «علاوه بر اینکه پذیرش چنین درخواستی منع قانونی ندارد، مجوزی برای رد این تقاضا و زندانی کردن متهم وجود ندارد و قاضی مکلف به پذیرش آن است»^۱ حذف این عبارت ابهام‌هایی را در عمل ایجاد کرده است.

خوشبختانه، این موضوع مورد توجه تهیه‌کنندگان پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری قرار گرفته است. مطابق ماده‌ی ۱۷۵ این پیش‌نویس، «در صورتی که متهم تقاضا کند به جای معرفی کفیل، وثیقه ایداع کند بازپرس مکلف به قبول آن است و هر زمان متهم با معرفی کفیل تقاضای آزادی وثیقه را بنماید، بازپرس مکلف به قبول آن است».

۸. سخت‌گیری قضات در احراز ملائت کفیل

گاهی قضات با توجه به ماده‌ی ۳۵ ق.آ.د.ا.ک مبنی بر اینکه «کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که اعتبار او به تشخیص قاضی صادرکننده قرار برای پرداخت وجه‌الکفاله مورد تردید نباشد» در احراز ملائت کفیل سخت‌گیرانه برخورد می‌کنند و این سخت‌گیری به بازداشت افراد منجر می‌شود، در حالی که حاکمیت فرض بی‌گناهی اقتضا می‌کند که آزادی چنین افرادی سلب نشده و از تورم جمعیت کیفری جلوگیری شود.

۱. نظریه ۷/۱۲۸۸ - ۱۳۸۳/۳/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه.

ب. ظرفیت‌های موجود دادسرا برای کاهش جمعیت کیفری

۱. رویکرد جدید به دادسرا

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، دادسرا نهادی حافظ حقوق عمومی و از نقطه نظر تاریخی نیز نهادی پشتیبان حاکمیت و جامعه بوده است. به همین دلیل، رعایت حقوق و آزادی‌های افراد در دادسرا جایگاه چندانی نداشته است. با فراگیر شدن بحث حمایت از حقوق شهروندی در سطح بین‌المللی، رویکرد جدیدی نسبت به دادسرا ایجاد شده و حمایت از حقوق شهروندی و آزادی‌های مشروع بر عهده‌ی دادسرا گذاشته شده است. در سطح داخلی نیز، با تصویب «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی»^۱ بر این موضوع تأکید شده است. از جمله موارد مطرح در این قانون آن است که «کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هر گونه سلايق شخصی و سوء استفاده از قدرت و یا اعمال هر گونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود».

حقوق دفاعی متهمان، منع دستگیری و بازداشت خودسرانه، منع شکنجه، و پرهیز از تحقیر و آزار اذیت افراد در جریان بازجویی از موارد دیگری است که در این قانون مورد تأکید قرار گرفته‌اند. در راستای همین تغییر رویکرد به دادسرا، رییس محترم قوه قضاییه اظهار داشته‌اند که «اولین نکته مهم این است که دادستان‌ها و قضات دادسراها و مدعی‌العموم‌ها، بینش و دیدگاه و فرهنگ و باور خود را این چنین کنند که مدعی‌العموم مردم هستند نه مدعی‌العموم حاکمیت و دولت. جایگاه مدعی‌العموم و دادستان را به دو شکل می‌توان فهمید یکی اینکه مدعی‌العموم می‌خواهد مدعی‌العموم حقوق حاکمیت باشد که شاید در ابتدا چنین بود و دوم اینکه دادستان و مدعی‌العموم، مدعی‌العموم عدالت و حقوق است» (۱۰). بنابراین، با توجه به

۱. مصوب ۱۳۸۴/۱۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی.

پدیدار شدن چنین فضایی در مورد دادسرا، قضات دادسرا می‌توانند با تکیه بر فرض بی‌گناهی و حفظ حقوق شهروندی از این ظرفیت برای کاهش جمعیت کیفری زندان استفاده‌ی مطلوب کنند.

۲. تضمین‌های ناظر به حق‌های دفاعی متهم

«متهمی که وارد فرایند کیفری می‌شود تا زمانی که مسوولیت کیفری و مجرمیت او طی یک دادرسی منصفانه و عادلانه اثبات نشود بی‌گناه فرض می‌شود. فرض یا اصل بر براءت متهم است مگر آن که خلاف آن ثابت شود» (۶۹: ۲). یکی از آثار این اصل حق دفاع متهم است که عبارت است از مجموعه‌ی تضمین‌های قانونی و قضایی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای مظنونان به ارتکاب جرم در سراسر فرایند دادرسی کیفری و با هدف تصمیم‌گیری عادلانه (۱۴۴: ۳). این حق‌های دفاعی عبارت‌اند از:

۱. تکلیف مقام پیگرد به جمع‌آوری و ارائه‌ی دلیل علیه متهم؛
 ۲. ممنوعیت اجبار متهم به اثبات بی‌گناهی خود با شهادت و اقرار علیه خود؛

۳. ضرورت دادن فرصت و امکانات لازم به متهم برای دفع اتهام از خود؛
 ۴. ضرورت تدوین قوانین و مقررات لازم برای تحقق دادرسی عادلانه؛
 ۵. ضرورت تفسیر شک به نفع متهم.

اصل براءت که در ماده‌ی ۹ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و بند ۲ ماده‌ی ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، بند ۲ ماده‌ی ۶ کنوانسیون صیانت از حقوق و آزادی‌های اساسی معروف به کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و اسناد بین‌المللی دیگر مورد تأکید قرار گرفته، در اصل ۳۸ ق.ا نیز آورده شده است. این اصل و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و ماده‌ی ۱۲۸ ق.ا.د.ا.ک در راستای حق‌های دفاعی متهم تدوین شده‌اند. ماده‌ی ۱۲۸ به حق متهم مبنی بر داشتن یک وکیل مدافع همراه خود در مرحله‌ی تحقیقات اشاره دارد. با توجه به اینکه همه‌ی متهمان توانایی دفاع مناسب از

خود را ندارند، حضور وکیل می‌تواند به ارائه‌ی این دفاع کمک شایانی کرده و از بروز اشتباه‌های قضایی جلوگیری کند.

هر چند حق حضور وکیل در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی با توجه به ماده‌ی ۱۲۸ و تبصره‌ی آن بسیار محدود شده است، قضات دادسرا می‌توانند با توجه به فرض بی‌گناهی و تفسیر به نفع متهم زمینه‌ی حضور بیش‌تر وکیلان را در تحقیقات فراهم کنند. با توجه به اینکه تضمین‌های ناظر به حقوق متهمان می‌تواند در صورت بی‌گناهی آنان در اثبات این بی‌گناهی مؤثر باشد، پیش‌بینی این تضمین‌ها توسط قضات دادسرا می‌تواند زمینه‌ی دفاع مناسب را فراهم کرده و از بازداشت شدن متهمان جلوگیری کرده و به کاهش جمعیت کیفری کمک کند.

۳. صدور روزانه‌ی کیفرخواست و اجرای حکم توسط دادسرا

یکی از مواردی که می‌تواند به کاهش جمعیت کیفری توسط دادسرا منجر شود صدور کیفرخواست روزانه و فرستادن پرونده به دادگاه و اجرای آن در همان روز صدور حکم است. این موضوع در پرونده‌های مربوط به مواد مخدر و مواردی مانند رابطه‌ی نامشروع و پرداخت رشوه به مأموران توسط رانندگان به نحو قابل توجهی می‌تواند از سلب آزادی و بازداشت افراد جلوگیری کند؛ این موضوع به‌ویژه زمانی که متهمان غیربومی بوده و نتوانند تأمین مناسبی بدهند ملموس‌تر است.

۴. تسریع در تودیع وثیقه در دادسرا

یکی از مشکلات متهمان در مورد قرار وثیقه این است که در محلی خارج از حوزه‌ی دادسرای که به اتهام آنها رسیدگی می‌کند وثیقه‌ای برای معرفی و تودیع دارند. در صورت معرفی وثیقه، در فاصله‌ی زمانی‌ای که نیابت به حوزه‌ی قضایی مورد نظر فرستاده می‌شود تا توقیف وثیقه و صدور قرار قبولی آن فرد باید در بازداشت بماند. رویه‌ی معمول دادسراها این است که بعد از اعطای نیابت قضایی و تودیع و توقیف وثیقه، باید نامه‌ی بازداشت وثیقه

در اداره‌ی ثبت به شعبه‌ی مربوط برسد تا نسبت به صدور قرار قبولی وثیقه و آزادی متهم اقدام شود. این در حالی است که می‌توان این نیابت را با نامبر به حوزه قضایی مورد نظر فرستاد و وثیقه‌گذار در حوزه‌ی قضایی محل استقرار وثیقه نسبت به تودیع آن اقدام کرده و سپس قرار قبولی وثیقه را صادر کرده و با نامبر به دادسرای محل حضور متهم بفرستد. این روش _ که به نظر می‌رسد منع قانونی هم ندارد _ می‌تواند از سلب آزادی متهمان جلوگیری کرده و در کاهش جمعیت کیفری زندان مؤثر باشد.

۵. تعویق تحقیق

یکی از راه‌هایی که به کاهش جمعیت کیفری در دادسرا می‌انجامد به تأخیر انداختن بازجویی و تحقیق در شرایطی است که امکان دسترسی به متهم در پرونده وجود دارد و بیم فرار متهم نمی‌رود (برای مثال، وقتی وسیله‌ای از متهم در توقیف باشد یا جرم ارتكابی ساده بوده و فقط جنبه‌ی عمومی دارد، یا متهم در دادسرا شناخته شده است). صرف‌نظر از اینکه موضوع از نظر قانونی محل تأمل است، می‌توان تفهیم اتهام را در مهلتی معقول که متهم بتواند تأمین خود را فراهم کند به تأخیر انداخت تا از این رهگذر از بازداشت افراد و افزایش جمعیت کیفری جلوگیری شود.

۶. تفسیر ماده‌ی ۳۵ ق.آ.د.ا.ک به نفع متهم

مطابق این ماده، «در موارد زیر با رعایت قیود ماده ۳۲ این قانون و تبصره‌های آن هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت الزامی است...». با توجه به مقید شدن صدور قرار بازداشت موقت به رعایت شرایط این ماده، می‌توان استدلال کرد که «قانون‌گذار تشخیص ضرورت بازداشت را به منظور تأمین نظر شورای نگهبان به نظر مقام قضایی واگذار کرده لذا بازداشت موقت اجباری در همه موارد و از جمله در کلیه جرایمی که به موجب قوانین خاص بازداشت اجباری در آنها پیش‌بینی شده است (بنده ماده ۳۵ ق.آ.د.ا.ک) از نظام تقنینی ما رخت بر بسته است» (۱۷۹: ۴). بنابراین، می‌توان با توجه به بی‌گناهی و تفسیر به نفع

متهم به این استنباط از قانون که با توصیه‌های اسناد بین‌المللی نیز منطبق است جامه‌ی عمل پوشاند و از این ظرفیت برای کاهش جمعیت کیفری زندان استفاده کرد.

۷. سیاست‌های کلی قوه قضاییه

فضای کنونی حاکم بر قوه قضاییه - به‌ویژه با توجه به دیدگاه‌های رییس محترم قوه قضاییه در مورد کاهش موارد بازداشت و حبس - می‌تواند در کاهش جمعیت کیفری مؤثر باشد. دغدغه‌ی رییس محترم قوه قضاییه نسبت به وضع زندان و زندان‌ها به گونه‌ای است که نخستین بخش‌نامه‌ای که برای قضات و مسؤولان سازمان‌های وابسته صادر کرده‌اند در مورد زندان و زندانیان بوده است. ایشان از جمله در خصوص بازداشت موقت عقیده دارند که «بازداشت موقت دارای پیامدهای زیان‌بار، فسادها و رانت‌هایی می‌باشد» (۳: ۹). بنابراین، قضات دادسرا می‌توانند از این ظرفیت به بهترین نحو ممکن برای کاهش جمعیت کیفری بهره ببرند.

پ. راهکارهای مربوط به قانون‌گذار

۱. افزایش قرارهای جانشین بازداشت

در بررسی محدودیت‌های دادسرا در کاهش جمعیت کیفری به محدود بودن قرارهای جانشین بازداشت اشاره شد. برای رفع این مشکل، قانون‌گذار فرانسه - برای مثال - نهادی را به‌عنوان «نظارت قضایی» یا «کنترل قضایی» مقرر کرده است که «هدف [آن] دادن حداکثر آزادی به متهم است که با ضرورت کشف حقیقت با حفظ نظم عمومی سازگار باشد. متهم تحت نظارت قضایی زندانی نمی‌شود؛ او فقط در رفت و آمدها و در زندگی اجتماعی خود بعضی محدودیت‌ها را تحمل خواهد کرد و بر رعایت تکالیفی که به او تحمیل شده است نظارت خواهد شد» (۸۳۱: ۵).

ماده‌ی ۱۳۸ قانون آیین دادرسی فرانسه در این خصوص مقرر می‌دارد

که توسل به کنترل قضایی از سوی قاضی تحقیق یا قاضی آزادی‌ها و بازداشت هنگامی مجاز است که جرم موضوع اتهام دارای مجازات حبس تأدیبی یا مجازاتی شدیدتر باشد. این کنترل متهم را موظف به اجرای یک یا چند تعهد حسب تصمیم قاضی تحقیق می‌کند. این ماده در ۱۶ بند زیر به بیان این تعهدات می‌پردازد (۲۰۶:۴):

۱. عدم خروج از حوزه قضایی تعیین شده از سوی قاضی تحقیق؛
۲. عدم خروج از منزل یا اقامتگاه تعیین شده از سوی قاضی تحقیق مگر با رعایت شرایط و جهات تعیین شده؛
۳. خودداری از تردد به برخی مکان‌ها؛
۴. آگاه کردن قاضی تحقیق از هر گونه جابه‌جایی فراتر از محدوده‌های تعیین شده؛

۵. الزام متهم به معرفی خود در فاصله‌های معین؛
 ۶. پاسخ‌گویی به احضارنامه‌های هر مقام صلاحیت‌دار، هر انجمن یا هر شخصی که قاضی تحقیق تعیین کرده است؛
 ۷. تودیع کلیه اسناد اثبات‌کننده‌ی هویت؛
 ۸. خودداری از رانندگی؛
 ۹. خودداری از پذیرش یا ملاقات برخی اشخاص؛
 ۱۰. انجام آزمایش‌های پزشکی؛
 ۱۱. تودیع وثیقه؛
 ۱۲. خودداری از پرداختن به برخی فعالیت‌های شغلی یا اجتماعی؛
 ۱۳. خودداری از صدور چک؛
 ۱۴. خودداری از نگهداری و حمل سلاح؛
 ۱۵. ارائه‌ی تضمین‌های شخصی یا واقعی؛
 ۱۶. اثبات اینکه نسبت به انجام تعهدات اقدام خواهد کرد.
- بنابراین، یکی از راه‌کارهای کاهش جمعیت کیفری تنوع دادن و افزایش

شمار قرارهای جانشین بازداشت است.

خوشبختانه این موضوع در پیش نویس قانون آیین دادرسی کیفری ایران مورد توجه قرار گرفته است. از جمله، در ماده‌ی ۱۷۲ و در بیان قرارهای تأمین در بند ج به گرفتن اسناد هویت یا اشتغال متهم از قبیل شناسنامه، گذرنامه، کارت ملی، پروانه‌ی اشتغال و گواهی‌نامه‌ی رانندگی اشاره شده است. همچنین، التزام به منع خروج از حوزه‌ی قضایی با تعیین وجه التزام به موارد قرارهای تأمین کیفری افزوده شده است. وانگهی، در ماده ۲۰۴ پیش نویس آیین دادرسی کیفری قرار نظارت قضایی پیش بینی شده که بازپرس می تواند برای تحت نظر قرار دادن متهم و تضمین حقوق بزه دیده یک یا چند مورد از آنها را صادر کند که شامل موارد زیر است:

۱. ارائه‌ی خدمات به بزه دیده برای رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده و متهم؛
۲. معرفی متناوب خود به مراکز یا نهادهایی که بازپرس تعیین می کند؛
۳. منع رانندگی با وسایل نقلیه‌ی موتوری؛
۴. ترک هم نشینی با افراد خاص؛
۵. اقدام به درمان اختلال‌های روانی- رفتاری؛
۶. منع اشتغال به کارهایی که زمینه‌ی ارتکاب جرم را برای متهم فراهم می کند؛

۷. منع صدور چک در مورد جرم‌های مرتبط با چک؛

۸. منع نگهداری سلاح دارای مجوز؛

۹. منع خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده از رهگذر نظارت با

تجهیزات الکترونیکی.

با توجه به اینکه آمار قابل توجهی از ورودی زندان را افراد تحت قرار تشکیل می دهند، دادن این اختیارات به قاضی برای صدور قرار تأمین می تواند نقش چشم گیری در کاهش جمعیت کیفری داشته باشد.

۲. محدود کردن قرار بازداشت موقت

هر چند با توجه به فرض بی‌گناهی، اصل بر آزادی متهم است، در صورت ضرورت تحقیق یا اقدام تأمینی در قوانین آیین دادرسی کشورها امکان بازداشت موقت متهم پیش‌بینی شده است. این شرط ضروری به علت تعارض ذاتی آن با فرض آزادی و بی‌گناهی جرم‌شناسان و حقوق‌دانان، دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را واداشته است که با وضع قواعد و مقرراتی مواردی توسل به این حربه را تعریف و محدود کرده و مقام‌های قضایی را وادارند که از آن به‌عنوان «آخرین چاره» و برای «کوتاه‌ترین دوره‌ی زمانی ممکن» استفاده کنند. بنابراین، رویه‌ی کشورها به سمت محدود کردن موارد بازداشت پیش رفته و قانون آیین دادرسی کیفری نیز باید در جهت کاهش جمعیت کیفری اصلاح شود. در همین راستا، در ماده‌ی ۱۹۳ پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری، بازداشت موقت اجباری به جرم‌هایی که مجازات آنها سلب حیات یا حبس دائم است محدود شده و موارد بازداشت موقت اجباری موضوع قوانین خاص ملغاً شده است.

۳. گسترش حق‌های دفاعی متهم

همچنان که اشاره شد، تضمین‌های ناظر به حقوق دفاعی متهم می‌توانند برای اثبات بی‌گناهی و کاهش جمعیت کیفری مؤثر باشند. شایسته است این تضمین‌ها در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز گنجانده شوند. در این راستا، «حق داشتن وکیل» در ماده‌ی ۱۶۲ پیش‌نویس آیین دادرسی کیفری تا حدودی تأمین شده است: «این حق باید توسط بازپرس پیش از تحقیق به متهم ابلاغ و تفهیم شود و وکیل متهم در همان جلسه می‌تواند پرونده را مطالعه و مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به بازپرس اظهار نماید». تبصره‌ی همین ماده سلب حق تعیین وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم را موجب بطلان تحقیقات دانسته است.

این پیش‌نویس محدودیت‌های عدم حضور و کیل در تحقیقات را در ماده‌ی ۱۶۳ خود در قالب صدور «قرار عدم دسترسی به پرونده» چنین نهادینه کرده است: «چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی محرمانه بودن تحقیقات تشخیص دهد با ذکر دلایل، قرار عدم دسترسی به پرونده را صادر می‌نماید و این قرار حضوراً به وکیل ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه است.»

یکی دیگر از حق‌های دفاعی متهم «حق سکوت» است که باید در مقررات آیین دادرسی کیفری گنجانده شود. ماده‌ی ۱۶۷ پیش‌نویس قانون آیین دادرسی کیفری به این موضوع پرداخته و مقرر کرده که این حق باید توسط بازپرس به متهم تفهیم شود و تخلف از مقررات این ماده را موجب تعقیب انتظامی دانسته است.

۴. اصلاح ماده‌ی ۱۳۲ ق.آ.د.ا.ک درباره‌ی الزام قاضی به صدور قرار

تأمین پس از تفهیم اتهام

نحوه‌ی نگارش ماده‌ی ۱۳۲ در عمل مشکلاتی را ایجاد کرده و این تکلیف باید به اختیار تغییر یابد. در این راستا، ماده‌ی ۷۲ پیش‌نویس آیین دادرسی کیفری به اصلاح این موضوع پرداخته و به رویه‌ی ق.آ.د.ا.ک برگشته است.

فهرست منابع

۱. آخوندی، محمود؛ قرار بازداشت موقت، در: علوم جنایی؛ انتشارات سمت، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۳.
۲. آشوری، محمد؛ جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین؛ نشر گرایش، ۱۳۸۲.
۳. آشوری، محمد؛ عدالت کیفری؛ چاپ ششم، ج ۲، چاپ اول، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
۴. آشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری؛ ج ۲، چاپ ششم، انتشارات سمت، ۱۳۸۴.
۵. استفانی، گاستون؛ لواسور، ژرژ؛ بولک، برنار؛ آیین دادرسی کیفری؛ مترجم: دادبان، حسن؛ ج ۱، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۷.
۶. زندان‌زدایی: اهداف و واقعیت‌ها؛ ستاد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کاهش مجازات حبس، ۱۳۸۵.
۷. ماتیوس، راجر؛ و فرانسویس، پیترو؛ زندان‌ها در هزاره سوم؛ مترجم: ترجمه اکبری، لیلا؛ جلد اول، انتشارات راه تربیت، ۱۳۸۱.
۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ مجازات‌های جامعه‌مدار؛ در: مجموعه مقالات راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان؛ چاپ اول، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ چرا حبس؟ راه تربیت؛ تهران، چاپ اول، بی‌تا.
۱۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ نقش دادستان در دادرسی عادلانه؛ همایش علمی قضات ایران و اروپا، در: www.hoqouq.com.